جوان و آينده نگرى

مقاله انتخابى از مشتركين

محمد نيازى, از مسجد سليمان, شماره اشتراك 5841

انسان در گردش گردونه روزگار با مشكلات عديده و دست اندازهاى جاده پر پيچ و خم زندگى روبرو است. در اين ميان, عقل تنها چيزى كه به يارى انسان مى شتابد. عقل موهبتى الهى است كه وجه تمايز انسان از ساير خلايق و موجودات شمرده مى شود.

عقل انسان عاقل در توقف گاه هايى از تاريخ جلوه گر مى شود. يكى از اين مواقف, به هنگام روبه رو شدن با حوادث است. آينده نگرى يكى از بهترين دلايل بر قوت عقل است. حديث ذيل مهر تأييدى بر گفته ما است; حضرت على(ع) مى فرمايد: (راهنماترين دليل و نشانه بر انبوهى عقل, حسن تدبير است.)1

مفهوم آينده نگرى

الف) تعريف لغوى: آينده نگرى تقريباً معادل لفظ تدبير در عربى است. (تدبير در اصل از دَبْر (بر وزن ابر) به معناى پشت سر و عاقبت چيزى است. بنابراين, تدبير به معناى بررسى كردن عواقب كارها و مصالح را سنجيدن و بر طبق آن عمل كردن است.)2

ب) تعريف اصطلاحى: آينده نگرى يعنى گسترش افق ديد خود و ديدن پشت پرده مسائل و هم چنين زمانى كه شخص در آن است; يعنى در زمان حال, آينده را ديدن كه نتيجه آن, چاره انديشى براى رخدادهاى احتمالى است.

ج) تعريف روايى: امام على(ع) در بيان تعريف دورانديشى مى فرمايند: (الحزم, النظر فى العواقب ومشاورة ذوى العقول;3 دورانديشى, نگاه كردن به عاقبت هاى كار و مشورت كردن با خردمندان است). اين دو بيت زيبا از نظامى به نحوى مفهوم آينده نگرى را روشن مى كند.

در سر كارى كه درآيى نخست

رخنه بيرون شدنش كن درست

تا نكنى جاى قدم استوار

پاى منه در طلب هيچ كار

اهميت آينده نگرى در تعاليم اسلامى

در اين جا لزوم آينده نگرى را به كمك منابع بزرگ اسلامى بيان مى كنيم.

الف) قرآن: رجوع به آياتى در اين زمينه هم چون: (ثم استوى على العرش يدبر الامر),4 (يدبر الامر يفصل الآيات),5 (يدبر الامر من السماء الى الارض)6 و… ما را به اين نكته رهنمون مى سازد كه تدبير و آينده نگرى از صفات قدسى و ربوبى حضرت حق است. اين مهم با عقيده شيعه در مسائل كلامى هم چون قضا و قدر, بداء و ديگر مسائل بى ارتباط نيست.

ب) روايات: ائمه(ع) در گفتار و كردار اين مسئله را تأكيد كرده اند. حضرت على(ع) مى فرمايد: (اعقل الناس انظرهم فى العواقب;7 عاقل ترين مردم كسى است كه نگاهش به عواقب امور بيشتر از ديگران باشد).

ج) ادعيه: در دعاى معروف تحويل سال مى خوانيم: (يا مدبر الليل والنهار يا محول الحول و الاحوال. همه اين ها دليل بر اين است كه تعاليم اسلامى به آينده نگرى بسيار اهميت داده است.

لزوم آينده نگرى براى قشر جوان

پرهياهوترين دوره عمر آدمى, ايام جوانى است. غليان شهوت و تمايل به جنس مخالف و… پرتگاه هايى هستند كه به شدت يك جوان را تهديد مى كنند. اگرچه راه مشخص است, ولى چاله و بلكه چاه هاى بسيارى, هستى روحانى او را به خطر مى اندازد. به طورى كه اگر به خود نينديشد, اين مرغ ملكوتى سر از (بَلْ هُمْ اَضل)8 درمى آورد. اين از يك سو و از سوى ديگر ما بايد اين نكته را آويزه گوش خود قرار دهيم كه زندگى انسان و به تعبير دقيق تر عمر آدمى هم چون جاده هاى معمولى نيست كه يك راننده بى تجربه بارها آن مسير را طى كند تا بتواند مهارت پيدا كند و از خطرات احتمالى در امان باشد. عمر هم چون آبى است كه فقط يك بار روى زمين ريخته مى شود.بايد ببينيم كه آن را در گلستان مى ريزيم يا خارستان!

آن چه ندارد عوض, اى هوشيار

عمر عزيـز است غنيمـت شمار

سعدى

راه ها و موانع گسترش افق ديد

بى شك چگونگى نگاه جوان به زندگى و اين كه از كدام دريچه به روزگار نظر كند, در اعمال و رفتار او تجلى پيدا مى كند. در اين طريق امورى هست كه در تعالى بخشيدن به زاويه ديد انسان, مؤثر و امورى ديگر نيز مانع هستند. تفصيل مطلب را در ذيل بيان مى كنيم.

الف) عوامل:

1. تفكر: همان طور كه سابق گفتيم, عقل و فكر, وجه تمايز انسان از ساير مخلوقات است. تفكر, فانوس و بلكه چراغ منورى در ميان تاريكى هاى زمان است. امير بيان در اين زمينه مى فرمايد: (طول التفكير يصلح عواقب التدبير;9 انديشيدن طولانى, آينده نگرى ها را سامان مى بخشد). اين حديث شريف رابطه تنگاتنگ تفكر و تدبير را به صراحت بيان مى كند.

2. مشورت: انسان هيچ گاه به تنهايى نمى تواند با انبوه مشكلات دست و پنجه نرم كند و در هيچ زمانى بى نياز از يك مرشد و مشاورى مناسب نيست. مولاى متقيان على(ع) مى فرمايد: (من استغنى بعقله ضلّ;10 هركه به عقل خود اكتفا كند گم راه شود.) آرى, به راستى گران بهاترين كالاها (تجربه) با نازل ترين قيمت (يك خواهش) در دسترس تك تك افراد بشر است, ولى كسى خواهان آن نيست.

ب) موانع:

1. جهل: سرچشمه جهل انسان مى تواند امورى هم چون بى تجربگى, عبرت نگرفتن از حوادث, مشورت نكردن و… باشد. جهل, پرده اى در مقابل چشمان فرد آينده نگر مى افكند و او را به شخصى كوته بين مبدّل مى كند. بالاترين نوع جهل, جهل به نفس است. شخصى كه استعدادهاى خويش را نمى شناسد, چگونه مى تواند راه صحيح را برگزيند. امام على(ع) مى فرمايند: (اعظم الجهل, جهل الانسان امر نفسه).11

2. عجله: ما بارها پيامدهاى شتاب كردن در انجام كارها را در زندگى خويش ديده ايم. عجله, عاقبت امور را تباه مى كند. آيةاللّه مشكينى (حفظه الله) عجله نكردن در كارها را از نتايج تدبير مى داند و مى گويد: (يكى از نتايج تدبير, عجله نكردن در اقدام به امور است; اگر وقتشان نرسيده باشد.)12

ثمرات آينده نگرى

يكى از نويسندگان خطاب به خوانندگان چنين نوشته است: (تو, هم مى توانى ساخته تاريخ باشى و هم سازنده تاريخ, تا در كلاس تاريخ به چه عنوان نشسته باشى; معلم يا شاگرد؟)13 آرى, ما هم مى توانيم خميرى باشيم تا زمان به ما شكل دهد و هم مى توانيم زمان را مسخر خود كنيم و به آن حالت دهيم. شخص آينده نگر قطعاً در سر و سامان بخشيدن به آينده از فردى كه فاقد چنين ارزشى است, موفق تر است. آينده نگرى غلبه بر مشكلات را آسان مى كند.

همان طور كه مى دانيم رفتار و كردار انسان بستگى به تصميم گيرى او دارد. اين همان معناى اختيار انسان است, اما سرچشمه و منشأ تصميم چيز ديگرى است, كه روايت ذيل صريحاً آن را بيان مى كند. (اصل العزم, الحزم و ثمرته الظفر;14 اساس تصميم و اراده, دورانديشى و نتيجه آن پيروزى است). به راستى كه درخت اراده ريشه در خاك دورانديشى دارد, كه اگر خاك مساعد و مناسبى باشد, ميوه هاى پيروزى يك به يك به بار خواهند نشست.

از بزرگ ترين خطرات نبود آينده نگرى, تحير و ابهام است. شخصى كه آينده نگر نيست, سرنوشت خويش را هم چون هيولايى تصور مى كند كه به انتظارش نشسته و مى خواهد او را به كام خويش فرو برد. نداشتن بينشى گسترده و فراگير, عاملى مهم در ايجاد مشكلات روانى هم چون انزوا, عقده اى شدن, پرخاش گرى است.

ملاك و معيار در آينده نگرى

آينده نگرى نيز مانند اكثر امور از قاعده (خيرالامور اوسطها) پيروى مى كند. مهم ترين ملاك در آينده نگرى, اعتدال است. گاهى تأمل و به قول مردم اين پا و آن پا كردن, ناشى از ترس شخص از آينده مى باشد. خارج شدن از حد اعتدال, در آينده نگرى آفاتى را نتيجه مى دهد. گاهى انسان به جاى ترسيم آينده خويش, اسب خيال را زين كرده و به (ناكجا آباد) مى رود. به يقين آينده نگرى با خيال بافى دو چيز متفاوت است, ولى گاهى امر بر انسان مشتبه مى شود. خيال بافى از ترس درونى شخص نشأت مى گيرد. امام حسن عسكرى(ع) مى فرمايد: (انّ… للحزم مقداراً فان زاد عليه فهو جبن;15 دورانديشى حد و مرزى دارد كه اگر از اين محدوده خارج شود, ترس است.)

از ديگر آفات آينده نگرى, (به فعل نرساندن برنامه ريزى ها) است. توجه به اين نكته ضرورى است كه صِرف آينده نگرى ارزشى ندارد, بلكه عمل به آن و يافتن راه حل هاى مناسب و رفع موانع و مشكلات است كه آينده نگرى را عينيت مى بخشد و نتيجه آن را تضمين مى كند. اگر آينده نگرى طبق معيارهاى اسلامى نباشد, پيامدهاى نامناسبى را خواهد داشت, تا جايى كه مى تواند سبب هلاكت فرد باشد. امام على(ع) مى فرمايد: (من ساء تدبيره كان هلاكه فى تدبيره;16 هركه دورانديشى صحيحى نداشت, هلاكتش در تدبيرش است.)

پى نوشت ها:

1ـ غررالحكم و دررالكلم, ج1, باب الدال.

2ـ تفسير نمونه, ج8, ص230.

3ـ غررالحكم و دررالكلم,همان, باب الحاء.

4ـ يونس (10) آيه 3.

5ـ همان, آيه 31.

6ـ سجده (32) آيه 5.

7ـ ميزان الحكمه, ج2, باب (الحزم).

8ـ قسمتى از آيه 179 از سوره مباركه اعراف مى باشد; يعنى آن ها حتى از چهارپايان هم گم راه ترند.

9ـ جلوه هاى حكمت, ص474.

10ـ غررالحكم و دررالكلم, باب الشين.

11ـ جلوه هاى حكمت, ص143.

12ـ (ثم ان من نتائج التدبر عدم تعجيله فى الاقدام لو لم يخل وقته).

13ـ جواد محدثى, چشم دل, ص78.

14ـ جلوه هاى حكمت, ص400.

15ـ ميزان الحكمه, همان.

16ـ غررالحكم و دررالكلم, همان.